

نگاه اوباما به ایران از دریچه نگاه دنیس راس

با انتخاب باراک اوباما به ریاست جمهوری آمریکا، گمانه‌زنی‌ها در خصوص سیاست تغییر او در مورد جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. تصور بر این است که او سیاست و روش جدیدی در ارتباط با ایران اتخاذ نماید. در همین رابطه اوباما، دنیس راس^۱ را که از دیپلمات‌های با سابقه آمریکا در امور خاورمیانه می‌باشد به عنوان هماهنگ کننده ارشد خود در امور ایران معرفی نمود. از سوی خانم هیلاری کلینتون طی حکمی راس را به عنوان مشاور ویژه خود در امور آسیای جنوب غربی و کشورهای حوزه خلیج فارس انتخاب نمود. بنابراین به نظر می‌رسد راه‌های تصمیم‌گیری در خصوص روابط ایران و آمریکا تا حدود زیادی به دنیس راس ختم می‌شود.

زندگی شخصی راس

دنیس راس در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۸ از مادری یهودی و در یک خانواده غیر مذهبی در سان فرانسیسکو به دنیا آمد و براساس آنچه خود او می‌گوید در مارین کانتی کالیفرنیا رشد نمود. او تحصیلاتش را در رشته علوم سیاسی و در دانشگاه کالیفرنیا به پایان رساند و از آن برهه تا مدتی مطالعات خود را در مسائل اتحاد جماهیر شوروی متمرکز نمود. هم‌اکنون او به همراه همسر و سه فرزندش در حومه واشنگتن دی سی زندگی می‌کند.

فعالیت‌های شغلی

راس محقق و دیپلماتی است که بیش از دو دهه تجربه درباره اتحاد جماهیر شوروی و خاورمیانه دارد. او

ارتباط کاری بسیار نزدیکی با وزرای خارجه آمریکا در دوران جیمز بیکر (وزیر خارجه بوش پدر)، وارن کریستوفر (وزیر خارجه دوره اول رئیس جمهوری کلینتون) و مادلین آلبرایت داشت. در دوران بیل کلینتون او هماهنگ کننده ویژه درباره مسائل خاورمیانه بوده (به ویژه در حوزه صلح فلسطینی - اسرائیلی) و در دوران بوش پدر مسؤولیت اداره برنامه‌ریزی سیاسی وزارت خارجه را به عهده داشت و زمانی که در این مسؤولیت بود نقش بسیار حساسی را در نگرش ایالات متحده پیرامون مسائل زیر به عهده داشت: الف - تعیین خط مشی ایالات متحده آمریکا نسبت به

اتحاد جماهیر شوروی

ب - وحدت دو آلمان و ائتلاف آن با ناتو

ج - مذاکرات کنترل تسلیحات

1. Dennis Ross

وی در دوران رونالد ریگان مسؤول بخش خاور نزدیک و آسیای جنوبی در شورای امنیت ملی بود و مدتی نیز در پنتاگون مشغول به فعالیت بود. در دوران ریگان به همراه پاول ولفوویتز در سمت مأمور بازرنگری در سیاست‌های استراتژیک کابینه ریگان زیر نظر ریچارد آلن مشاور امنیت ملی مشغول به کار بود. اندکی بعد به دانشگاه بازگشت و به عنوان مدیر اجرایی برنامه برکلی-استنفورد در مورد رفتار بین‌المللی اتحاد جماهیر شوروی از سال ۱۹۸۶-۱۹۸۴ انتخاب شد. راس در جریان فرایند صلح اسرائیلی- فلسطینی به عنوان یک واسطه از سوی هر دو طرف مورد انتقاد قرار می‌گرفت. زیرا فلسطینی‌ها او را حامی اسرائیل می‌دانستند و جناح راست افراطی در اسرائیل نیز از او انتقاد می‌کردند. هر چند راس در کابینه جمهوری خواهان نیز فعال بود، اما ذاتاً یک دموکرات است. از طرفی نوشته‌های وی هم توسط منابع اسرائیلی به چاپ رسید و هم توسط حامیان فلسطینی.

راس در آلبوم افتخارات خود مدال خدمات برجسته مملکتی را از بیل کلینتون گرفت. او همچنین جوایزی از وزارت خارجه دوران جیمز بیکر و نیز جوایزی از دانشگاه یوسی ال ای و درجه دکترای افتخاری از مدرسه علوم دینی یهود و نیز از دانشگاه سیراکو (دانشگاه تحقیقاتی خصوصی واقع در نیویورک) و دانشکده آمرست (دانشکده هنرهای لیبرال واقع در ماساچوست) دریافت نمود.

نگاه راس به اسرائیل

راس از بنیانگذاران مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن^۱ می‌باشد. این مؤسسه به عنوان یک مرکز فکر به مطالعه بر روی مسائل خاورمیانه و ارتباط آن با منافع آمریکا و اسرائیل می‌پردازد. این مؤسسه روابط کاری و

فکری نزدیکی با نومحافظه‌کاران آمریکا که از حامیان یهودیان می‌باشند، دارد. همین ارتباطات و نوع اهداف فکری راس، سبب شد تا برخی او را وامدار تفکر یهود بدانند. این عامل می‌تواند در نوع نگاه و شیوه تصمیم‌گیری راس نسبت به ایران مهم و مؤثر باشد.

او همچنین اولین رئیس یک مؤسسه یهودی در اسرائیل با عنوان مؤسسه برنامه‌ریزی خطمشی‌های مردم یهود^۲ می‌باشد. هدف اصلی این مؤسسه که توسط آژانس یهود بنیانگذاری شد، تقویت مردم یهود از طریق ایجاد تفکر استراتژیک حرفه‌ای و نیز طراحی برای مسائل اصلی جهان یهود و نیز تعهد عمیق به آینده مردم یهود با محوریت اسرائیل می‌باشد. همه ساله رهبران جهان یهود که شامل افرادی مانند شیمون پرز، ناتان شارانسکی و غیره می‌باشد، ضمن مشارکت در کنفرانس‌های این مؤسسه که دنیس راس نیز در آن حضور دارد، با یکدیگر ملاقات نموده به بررسی وضعیت یهودیان می‌پردازند. در کتاب لابی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا^۳ که توسط جان میرشایمر و استفان والت نوشته شد، دو نویسنده، دنیس راس را به عنوان یکی از اعضای لابی اسرائیل در آمریکا معرفی می‌کنند. او رابطه بسیار نزدیکی با آپیک (AIPAC) دارد به طوری که اعضای آپیک به او لقب "دوست برجسته اسرائیل" داده‌اند. هرچند راس تلاش نمود تا در مذاکرات اسرائیلی- فلسطینی نقش یک واسطه منصف را بازی کند اما همگان بر این اعتقادند که راس نمی‌تواند دین خود به منافع اسرائیل را پنهان نماید. راس معتقد به ایجاد یک رابطه عمیق استراتژیک با اسرائیل می‌باشد.

2. The Jewish People Policy Planning Institute
3. The Israel Lobby And U.S. Foreign Policy

1. Washington Institute For Near East Policy

راس همچنین به عنوان تحلیلگر مسائل سیاست خارجی در شبکه فاکس نیوز فعالیت دارد و مفسر واشنگتن پست و نیویورک تایمز می‌باشد. او همچنین اولین گزارش خود در مجله نیو ریپابلیکن را در آوریل ۲۰۰۷ به چاپ رساند.

هرچند او از حامیان جنگ عراق بود اما در کنار آن انتقاداتی به سیاست‌های دولت بوش در مورد نوسازی بعد از جنگ داشت. او در کتابی تحت عنوان مملکت‌داری و چگونگی ترمیم اعتبار آمریکا در جهان که در سال ۲۰۰۷ منتشر شد سیاست‌های دولت بوش را به دلیل ضعف آن در عدم استفاده از ابزارهای موجود جهت دستیابی به منافع ملی آمریکا مورد انتقاد قرار می‌دهد و در مقابل از یک سیاست نو لیبرالی دفاع می‌کند.

دیدگاه‌های دنیس راس در مورد ایران

دنیس راس معتقد به افزایش همکاری آمریکا و اسرائیل برای مقابله با برنامه اتمی ایران است و در این زمینه مقالات مفصلی منتشر کرده است. متن سخنرانی او با ما در آپیک در ژوئن ۲۰۰۸ که راس یکی از نویسندگان آن سخنرانی بود نشان دهنده نوع نگاه او با ما به ایران و تأثیرپذیری او از راس می‌باشد. او با ما در این سخنرانی با بیان اینکه ایران بزرگترین خطر برای اسرائیل و صلح و ثبات خاورمیانه است اعلام نمود که مشکل ایران را حل خواهد نمود. از سویی راس همین ادعاها را در مقاله دیگری که در دسامبر ۲۰۰۸ در نیوزویک نوشت اظهار داشت: امروزه به هر کجای خاورمیانه که بنگریم ایران تهدید کننده منافع آمریکا و نظم سیاسی موجود است. وی حتی تهدید می‌کند در صورت عدم انصراف ایران از برنامه هسته‌ای خود، آمریکا مجبور به استفاده از ابزارهای نظامی می‌باشد. در همین زمینه او در نوشته‌هایش تأکید دارد که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است. او معتقد است

فعالیت‌های هسته‌ای ایران حتی اگر اهداف نظامی نیز نداشته باشد برای صلح منطقه و جهان خطرناک است. به نظر او اگر ایران در برنامه هسته‌ای به اهدافش برسد ما شاهد یک خاورمیانه هسته‌ای خواهیم بود. راس بارها به این مسأله اشاره نمود که حل مشکل ایران و آمریکا در خلأ صورت نخواهد پذیرفت اما به نظر او آمریکا در صورتی حاضر است با شرکای اروپایی خود بر سر یک میز با ایران بنشیند که ابتدا اروپا و آمریکا بر سر یک تحریم معنادار و سخت (و نه حاشیه‌ای و کم‌اهمیت) به توافق برسند تا در صورت شکست مذاکرات با ایران، بتوانند با یک اجماع کلی و به شکل نهایی آن را به اجرا درآورند. از سویی او بر این باور است که مذاکرات اروپایی‌ها با ایران بدون حضور آمریکا به نتیجه نخواهد رسید.

راس بر این عقیده است که حتی اگر ایران راجع به توان هسته‌ای خود مبالغه کرده باشد با این حال این توانایی را دارد تا مشکلات خود در ارتباط با غنی سازی و ذخیره‌سازی اورانیوم را به انجام برساند و اگر این گونه باشد و این توانایی بالقوه به عمل درآید، حامل این پیام خواهد بود که سیاست‌های رایج آمریکا نمی‌تواند از فعالیت‌های ایران جلوگیری نماید. بنابراین باراک او با ما گزینه‌های کمتر و زمان کمتری جهت جلوگیری از یک ایران هسته‌ای دارد. با این حال او اذعان دارد که هنوز هم می‌توان ایران را از رسیدن به توان هسته‌ای باز داشت. راس اعتقاد دارد که با توجه به برنامه‌هایی که از جانب دولت بوش در رابطه با ایران اعمال شد این کشور هنوز با جدیت در تعقیب برنامه هسته‌ای می‌باشد. او علت موفقیت ایران در ادامه برنامه هسته‌ای خود در زمان جورج بوش را در دو نکته خلاصه می‌کند:

الف) دولت بوش به اندازه کافی به ایران فشار وارد نکرد. (تنبیه ضعیف)

ب) پیشنهاد اغوا کننده‌ای از جانب آمریکا به ایران ارائه نشد. (تشویق ضعیف)

پیشنهاد راس این است که اگر آمریکا به ایران فشار مؤثری وارد کند، ایران نیز در مقابل آن کوتاه خواهد آمد. وی اصلی‌ترین ابزار را اهرم ضربات اقتصادی می‌داند. استدلال وی بر این منطق استوار است که: ایران ۴۳ درصد نیاز بنزین خود را از خارج تأمین می‌کند. منابع نفت و گاز ایران که تأمین‌کننده اصلی درآمد‌های این کشور است نیازمند یک سرمایه‌گذاری قوی خارجی می‌باشد. بنابراین جلوگیری از تأمین این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند در فشار به ایران مؤثر باشد.

او همچنین اضافه می‌کند که یک "تحریم هوشمندانه" می‌تواند ایران را از عواقب و مضرات ادامه فعالیت‌های هسته‌ای خود آگاه سازد. به نظر وی آمریکا برای اینکه بتواند در اهداف خود در مقابل ایران به موفقیت برسد باید این مسیر را دنبال کند: اتکای کمتر به سازمان ملل متحد و تمرکز بیشتر بر همکاری با متحدان آمریکا یعنی، اروپائی‌ها، چین، ژاپن و عربستان سعودی.

درخصوص عدم اتکا به سازمان ملل متحد دیدگاه او برگرفته از تفکر نو محافظه‌کاران است که مدعی بودند توسل به سازمان ملل مانع رسیدن آمریکا به منافعش می‌شود. در عین حال راس به این نکته اشاره می‌کند که اروپائی‌ها از این مسأله هراس دارند که اگر آنها روابط تجاری خود با ایران را کاهش دهند، چینی‌ها از این مسأله استفاده خواهند کرد.

راس نیز مانند پیشینیان خود معتقد به یک سیاست چماق و هویج در ارتباط با ایران است. زیرا چماق‌ها به ایران نشان خواهد داد که با پیگیری برنامه هسته‌ای خود چه چیزی را از دست خواهد داد و تشویق‌ها نیز این مسأله

را به ایران گوشزد می‌کند که آنها چه چیزهایی را با معتدل کردن رفتارشان به دست خواهند آورد.

در نهایت او می‌گوید آمریکا با ارائه یک سری منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی می‌تواند به اهداف خود در قبال ایران دست یابد.

در ضمن او خواهان تقویت دولت‌های عربی و نیز ایجاد یک چتر عربی برای جلوگیری از توانمندی ایران در منطقه می‌باشد، زیرا وی معتقد است ایران می‌تواند از اهرم‌هایی نظیر حماس و حزب‌الله علیه منافع آمریکا و اسرائیل استفاده نماید. راس بارها در اظهاراتش از شکل‌گیری دولت حماس ابراز نگرانی نموده و خواهان جلوگیری از این امر شده است. البته او معتقد است با توجه به نقش فزاینده ایران در تحولات لبنان و فلسطین، این سوره است که خواهان ادامه قدرت‌گیری حماس است. وی همچنین معتقد است که این بشار اسد است که اجازه آزادی سرباز دربند اسرائیلی را نمی‌دهد.

نتیجه‌گیری

نوع نگاه راس به مسائل منطقه و پیشینه او در حمایت از مواضع اسرائیل را نمی‌توان در تصمیم‌سازی او نسبت به ایران نادیده انگاشت. زیرا او معتقد است باید از هسته‌ای شدن و نیز قدرت‌گیری ایران در منطقه جلوگیری نمود. بنابراین با انتخاب راس در امور ایران آنچه که تغییر می‌کند نوع ابزارهایی است که آمریکا علیه ایران استفاده خواهد کرد و آنچه که از تحلیل‌های راس بر می‌آید این است که به احتمال زیاد آمریکا ابتدا خواسته‌های خود را از طریق مذاکرات مستقیم و با حضور شرکای اروپایی به ایران اعلام می‌کند و در صورت عدم پذیرش آن از سوی ایران، از ابزارهای محکم‌تر که تحریم‌های اقتصادی جزء مهمی از آن خواهد بود، بهره خواهد برد. باید به این نکته نیز توجه داشت که

خواسته‌های آمریکا نسبت به ایران (آنچه که ایران آن را خط قرمز خود تعریف کرد) همانی خواهد بود که بارها از سوی دولت‌های قبلی آمریکا تکرار شد.

بنابراین با توجه به ایده‌های راس ما شاهد ایجاد یک جبهه اروپایی و عربی^۱ از سوی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران خواهیم بود. از آنجائی که دنیس راس و تیم او حامی یک اقدام سخت علیه جمهوری اسلامی ایران

هستند بنابراین باید منتظر چالش‌های جدید در روابط ایران و آمریکا باشیم. در این بین وظیفه ماست که با دقت نظر بیشتر دیدگاه‌های آتی افرادی نظیر دنیس راس را دنبال نمائیم زیرا باراک اوباما به دلیل تجربه اندک خود در زمینه سیاست خارجی قطعاً از نظرات و تجربیات افرادی نظیر دنیس راس به طرق قابل توجهی استفاده خواهد نمود.

محمود علیزاده

اداره کل آموزش و توسعه نیروی انسانی

۱. زیرا راس معتقد است که کشورهایی نظیر مصر، اردن و عربستان از یک ایران قدرتمند در هراسند. بنابراین آمریکا می‌تواند از این توان بالقوه جهت ایجاد یک جبهه مخالف علیه ایران استفاده نماید.